

صریح و شفاف

گفت‌وگو با مسعود وکیل، از مؤلفین کتاب‌های درسی آموزش قرآن

یونس باقری

ناظر مجلات تخصصی علوم انسانی



اشاره

مهندس مسعود وکیل از کارشناسان نام آشنا و دارای تجربهٔ ممتد در عرصهٔ آموزش قرآن کریم در کشور است. وی از ارکان اصلی مؤلفین کتاب‌های قرآن در وزارت آموزش و پرورش به‌شمار می‌رود (گرچه مدتی است بازنشسته شده است). او و آثار تألیفی‌اش را در مجامع قرآنی کشور می‌شناسند و کتابش با عنوان «آموزش مفاهیم»، به عنوان کتاب آموزشی مؤسسات قرآنی شناخته شده است.

جناب‌عالی وضعیت آموزش قرآن را در آموزش و پرورش چطور ارزیابی می‌کنید؟

خیلی خلاصه عرض می‌کنم: کمیت ساعت رسمی آموزش قرآن بحثی جدا دارد، اما برون‌داد آن چیزی شبیه به برون‌داد سایر دروس است. فکر می‌کنم نتیجهٔ دروس ریاضی، فارسی، فیزیک، دینی و... در دورهٔ ابتدایی یا در دورهٔ اول متوسطهٔ کشور براساس برنامهٔ رسمی، با معدل درس قرآن در همین دوره‌ها و در همان سطح نزدیک به هم است و خیلی فرق نمی‌کند. البته در دورهٔ متوسطهٔ دوم بحث دیگری مطرح است.

یعنی آموزش قرآن هم مثل سایر درس‌ها وضعیت خوبی ندارد؟

به عبارت دیگر، با توجه به انتظار اجتماعی که برای آموزش قرآن که وجود دارد و ما نمی‌توانیم نسبت بدان بی‌تفاوت باشیم، این انتظار با وضعیت موجود در آموزش و پرورش برآورده نخواهد شد. مگر اینکه اتفاق خاصی بیفتد یا کارهای ویژه‌ای انجام شود. اگر بدان برسیم و برسید، توضیح خواهیم داد.

یعنی شما می‌فرمایید درس قرآن در حاشیهٔ دروس دیگر قرار گرفته است و عزم جدی برای توجه به درس قرآن نیست؟

تقریباً همین‌طور است. در این زمینه عزم جدی وجود ندارد. هر بخشی کارهای معمولی‌اش را انجام می‌دهد و ممکن است خوب، متوسط یا ضعیف باشد. اما انجام کار خاص حتماً عزم مدیران ارشد را می‌طلبد. حتماً باید حرکت از بالا به پایین باشد تا نتیجهٔ درخوری داشته باشد.

شما معدل عملکرد آموزش و پرورش را در تمام

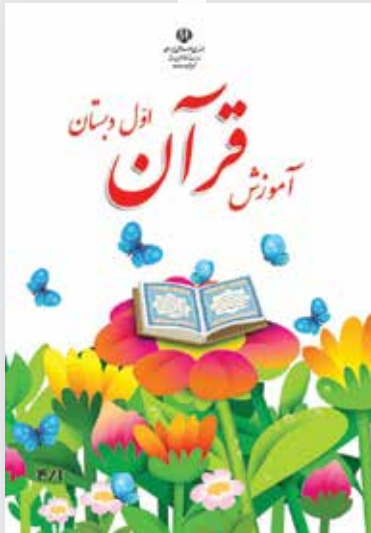
آموزش و پرورش می‌دانید؟ و روشن‌تر بگویم، چطور کار خودتان را نقد می‌کنید؟

□ ابتدا به کلام شما بپردازم که فرمودید سراغ هر کس می‌رویم، مشکل را گردن دیگری می‌اندازد. متأسفانه این روال عمومی جامعه است که هر کس به اصطلاح توپ را در زمین دیگری می‌اندازد. برای جلوگیری از این کار پیش‌بینی‌هایی شده که از جمله آن‌ها ایجاد ارتباط و هماهنگی مسئولان اصلی این بخش‌ها با هم است. یعنی مسئول ارشد برنامه‌ریزی با مسئول ارشد نیروی انسانی و معاونان وزیر با هم به‌طور مدام ارتباط داشته باشند و کارها را هماهنگ انجام بدهند و پیش ببرند. بنده در طول دورانی که افتخار خدمت داشتم، به موضوع ایجاد ارتباط و هماهنگی همواره توجه کرده‌ام و همواره برای ایجاد ارتباط بین دفاتر پیشگام بوده‌ام. تا به جای انداختن مشکلات به گردن هم، بتوانند مشکلات

را بشناسند و درصدد رفع آن‌ها برآیند. به ویژه در پنج شش سال اخیر، سازوکار کارآمد و پرقدرتی برای حل این مشکل به وجود آوردیم. متأسفانه با وجودی که امکانات قابل توجهی هم برای رفع مشکلات فراهم شد، اما از این سازوکار استفاده نکردند. اگر بنده در خدمت شما به نبود عزم نزد مدیران ارشد انگشت می‌گذارم، تا حد زیادی مبتنی بر تجربه‌هایم در همین سال‌هاست. زیرا از امکان فراهم آمده، استفاده نشد.

به پرسش موردنظرتان برسم. ما در تهیه برنامه، به ویژه برای دوره ابتدایی، از باسابقه‌ترین کارشناسانی دعوت به همکاری کرده‌ایم که کاملاً با وضعیت دوره و معلمان آشنایی داشتند. این کارشناسان سوای اینکه در بخش تخصصی قرآن کارشناس بودند، در تولید

درس مثلاً ۱۰ می‌دانید و اضافه می‌کنید، در این آموزش و پرورش با این معدل، نمی‌توانید انتظار معدل ۱۵ برای قرآن داشته باشید. □ بنده باور محکم به این نظرم دارم.



■ با معدل ۱۰ آموزش و پرورش در آموزش درس، چه اتفاقی می‌افتد که ناگهان در دانشگاه و بعد از آن در برخی حوزه‌های مهم، مثل پزشکی، صنعت و امور نظامی، تحولی به وجود می‌آید؟

□ توجه کنید به این نکته: مگر چند درصد فارغ‌التحصیلان مدارس ما جذب دانشگاه، آن هم جذب رشته‌های مؤثر می‌شوند؟ نکته دیگر موردنظر شما این است که اگر وضع چنان باشد که بنده می‌گویم، نباید حتی در این بخش‌ها

نیز نتیجه کار رضایت‌بخش باشد. اتفاقاً اگر این دو مورد را کنار هم بگذارید، باز به آنچه بنده بیان کردم، می‌رسید. یعنی مگر چند درصد فارغ‌التحصیلان پزشک می‌شوند؟ یا چند درصد تحصیل‌کردگان مدارس و دانشگاه‌های شما مهندس و اقتصاددان‌اند.

■ ما وقتی برای علت‌یابی چرایی توفیق کمتر در درس آموزش قرآن کریم سراغ برنامه‌ریزان و مؤلفان می‌رویم، مجریان برنامه‌ها را مقصر می‌دانند و انگشت اشاره را به سمت مدیران مدارس می‌گیرند. سراغ مدیران که می‌رویم، معلمان را مقصر می‌دانند. معلمان هم به نارسایی‌های کتاب‌های تألیفی می‌پردازند. غرض بنده این است که هر کدام دیگری را مقصر می‌دانند. ما نمی‌خواهیم به این موارد بپردازیم، ولی سؤال ما به حوزه تصمیم‌گیری باز

می‌گردد که جناب‌عالی در این حوزه فعالیت کرده‌اید و تجربه دارید. شما به عنوان مؤلف کتاب درسی قرآن و برنامه‌ریز برای اجرای آموزش این درس، بفرمایید برنامه قصد شده را با عنایت به شناختی که دارید و بیان کرده‌اید، چقدر منطبق با واقعیات موجود در

عزم جدی و شناخت کارشناسانه و دقیق وجود ندارد؛ به ویژه که بخشی از آن عزم به شناخت باز می‌گردد. ضمن اینکه ما الگوی مشخصی هم نداریم. یعنی معلوم نیست از یک دانش آموز فارغ‌التحصیل در زمینه یادگیری قرآن چه چیزی می‌خواهیم. زیرا بسیاری از مدیران ارشد، از داشتن توانایی‌ها و شایستگی‌های قرآنی محروم‌اند.



این برنامه از ابتدا سهیم بود. خوش بختانه از ابتدای زمانی که آموزش قرآن وارد دوره ابتدایی آن هم با شرایط خاص شد، همه ساله برنامه جدید قرآن ارزیابی می شد و نتایج را پس از استخراج روی محتوای کتاب اعمال می کردیم. این کار فرصت خوبی برای متناسب سازی آموزش قرآن بود. و ما علاوه بر کتاب دانش آموز، کتاب راهنمای معلم، لوح های فشرده و دیگر امکانات آموزشی جانبی را تهیه می کردیم.

بیاییم این کتابها و برنامه مورد نظر را در اختیار کارشناسان آموزش عمومی قرآن قرار بدهیم و از آنان بپرسیم: «اگر این کتابها را با توجه به محتوای موجود، در مدت شش سال، حداقل دو ساعت در هفته آموزش بدهیم، آیا آموزش گیرنده به اهداف قصد شده می رسد یا خیر؟»

■ شما آموزش مفاهیم قرآن کریم را در برنامه درسی گنجاندید. به نظر جناب عالی به هدف «درک معنا همراه با خواندن قرآن» چقدر دست یافته اید؟

□ خوش بختانه خودتان در جریان ارزشیابی صورت گرفته قرار دارید. در این مورد خاص، آقای آیت این تحقیق را روی دانش آموزان پایه دهم انجام داد. هر شش صفحه از قرآن را در اختیار یک دانش آموز قرار دادیم. این ارزشیابی هم خواندن و هم فهمیدن یا درک مفاهیم قرآن را می سنجد. یعنی قرآن ۶۰۰ صفحه ای را بین ۱۰۰ دانش تقسیم کردیم و بدین ترتیب از ۱۰۰ دانش آموز که به صورت اتفاقی انتخاب شده بودند، ارزشیابی به عمل آوردیم. اسناد آن موجود است و گزارش آن در مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی نیز چاپ شد.

نتیجه ارزشیابی به یک معنا

فراتر از حد انتظار ما بود. دانش آموزان حاضر در این ارزشیابی در خواندن صفحه هایی که در اختیارشان قرار گرفت، ۷۰ تا ۸۰ درصد (دقیق به یاد ندارم) از خود توانایی نشان دادند. یعنی صفحه های قرآن را درست خواندند و حدود یک سوم، عبارات این صفحه ها را معنا کردند (نتیجه این پژوهش به همراه مستندات آن در مجله رشد قرآن و معارف اسلامی چاپ شده است).



■ شورای عالی انقلاب فرهنگی، مسئولیت آموزش عمومی قرآن را به وزارت آموزش و پرورش سپرده است. شما این مسئولیت را چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا کمکی به آموزش قرآن در آموزش و پرورش کرده است؟

□ اوایل صحبتیم به عدم استفاده درست از فرصت ها اشاره کردم، یکی همین جا بود. به نظرم در مجموع حق این فرصتی را که به آموزش و پرورش داده اند، ادا نکرده اند.

■ مقام معظم رهبری چند سال پیش در جمع معلمان فرمودند که قرآن در آموزش و پرورش حقیقتاً مهجور است، به نظر جناب عالی برای خروج قرآن از این مهجوریت، آیا می توانند به رهبری گزارش کار ارائه بدهند؟

□ آن مدیرانی که من می شناسم، به اندازه کافی سند و مدرک دارند که گزارش مثبت بدهند سالها پیش به این نتیجه رسیدم که یکی از توانایی های مدیران جامعه ما این است که قادرند، به این پرسش ها خیلی خوب پاسخ بدهند. حرف مقام معظم رهبری حداقل می تواند دو معنا داشته باشد. یکی اینکه

قرآن در برنامه ریزی کل آموزش و پرورش ما مهجور است که از بحث ما خارج است. دیگری این است که آموزش و پرورش در مدارس آیا موفق بوده یا نبوده است؟ آیا دانش آموزان با برنامه آموزشی کنونی می توانند قرآن را بخوانند و بفهمند و با قرآن انس پیدا کنند؟ می توانم بگویم قرآن در عرصه برنامه آموزش قرآن مهجور است. تا اینجا فقط درباره همین مهجور حرف زده ایم.



دانش آموزان حاضر در این ارزشیابی در خواندن صفحه هایی که در اختیارشان قرار گرفت، ۷۰ تا ۸۰ درصد (دقیق به یاد ندارم) از خود توانایی نشان دادند. یعنی صفحه های قرآن را درست خواندند و حدود یک سوم، عبارات این صفحه ها را معنا کردند